

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

صورت دوم در کلام محقق خوئی در اجرای اصل عملی در مقام

صورت دوم از این اقسام که در کلام محقق خوئی در محاضرات آمده، این است که اگر مکلف، علم به وجوب یک شیء دارد، لکن نمی‌داند این شیء آیا عنوان واجب نفسی دارد یا واجب غیره، اما می‌داند اگر این شیء واجب غیره باشد ذی المقدمه آن، وجوب فعلی دارد.

یعنی وجوب فعلی برای ذی المقدمه را می‌داند، روی فرض اینکه این شیء مردّد، عنوان واجب غیره داشته باشد، مثالی زدند به اینکه کسی نذر کرده لکن نمی‌داند متعلق نذر او، وضو یا نماز است. این وضو، مردّد است بین اینکه آیا عنوان واجب نفسی یا واجب غیره دارد. بعبارة آخری نمی‌داند وضو را بعنوان واجب نفسی و بعنوان خودش نذر کرده، یا آنچه را نذر کرده صلاة است و صلاة هم محتاج وضو است، اما وضو در این فرض عنوان واجب غیره پیدا می‌کند.

محقق نائینی فرموده‌اند اولاً باید تکلیف وضو را مشخص کنیم، بعد سراغ حکم صلاة برویم. ما نسبت به وضو علم تفصیلی داریم. برای اینکه یا از اول، متعلق نذر وضو است به نحو واجب نفسی، یا اینکه متعلق نذر صلاة باشد، و وضو بنحو واجب غیره واجب است.

لذا نسبت به وضو از این جهت که باید وضو را انجام دهیم علم تفصیلی داریم. این علم تفصیلی می‌گوید اگر وضو را ترک کنید استحقاق عقاب دارد. حال این استحقاق عقاب، یا از جهت ترک خود آن است، اگر واجب نفسی باشد، یا از جهت ترک ذی المقدمه به ترک این مقدمه است، اگر واجب غیره باشد.

اما نسبت به صلاة، شک ما بدوی می‌شود. یعنی بعد از انجام وضو نسبت به صلاة شک می‌کنیم که آیا انجام صلاة بر ما واجب است یا نیست و شک ما عنوان شک ابتدایی و بدوی دارد. در شک بدوی باید برائت جاری شود. لذا نظریه مرحوم نائینی این است که در جایی که کسی نظر کرده اما نمی‌داند انجام وضو یا نماز را نذر کرده و لامحاله وضو مردّد بین واجب نفسی و غیره می‌شود، ایشان چنین نظری دارند که باید وضو انجام شود و نسبت به صلاة، أصالة البرائة جاری شود.

در مقابل نظریه مرحوم نائینی این نظر وجود دارد که در اینجا علم اجمالی داریم به اینکه یا وضو واجب است یا صلاة، دوران امر بین متباینین است و در دوران بین متباینین، أصالة الاشتغال جاری می‌شود. أصالة الاشتغال می‌گویند هم باید وضو را انجام دهید و هم صلاة را انجام دهید.

محقق نائینی می‌فرمایند اینکه می‌گوییم باید وضو انجام شود و در صلاة برائت جاری است برای این است که علم اجمالی در

اینجا مؤثر نیست و به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی منحل می‌شود. قبلاً در رسائل مطرح شده که اگر علم اجمالی داریم یکی از دو ظرف نجس است، اگر یک قطره خون در یک ظرف معین ریختید، نسبت به نجاست ظرف معین علم تفصیلی پیدا می‌کنید و نسبت به ظرف دیگر شک شما در نجاست و طهارت شک بدوی می‌شود.

علم اجمالی در جایی ما را وادار به احتیاط و اشتغال می‌کند که انحلال در کار نباشد، اما اگر انحلال در کار بود، این علم اجمالی تنجز ندارد. در اینجا مرحوم نائینی ادعای انحلال کرده‌اند و فرموده‌اند علم اجمالی ما تبدیل و منحل به علم تفصیلی نسبت به وضو می‌شود و یک شک بدوی نسبت به صلاة و باید برائت انجام داد.

مرحوم نائینی این نظریه را اظهار کرده و بعد فرموده منظور مرحوم آخوند در کفایه از آن قسمت دومی که گفته‌اند در آن برائت جاری می‌شود، همین شکی است که ما درباره‌ی آن بحث می‌کنیم.

مرحوم نائینی عبارت کفایه را طوری معنا کرده‌اند که تقریباً همه با ایشان مخالفت کرده‌اند. ایشان فرموده‌اند نظر مرحوم آخوند این است که در این شق، یعنی وجوب یک واجبی که مردّد است بین نفسی و غیری، و فرض این است که اگر غیری باشد ذی المقدمه آن هم وجوب فعلی دارد، مرحوم آخوند در اینجا اصالة البرائة را حتی نسبت به وضو جاری می‌کند.

مرحوم نائینی به مرحوم آخوند نسبت می‌دهد که شما اینجا اصالة البرائة را نسبت به وضو هم جاری می‌کنید.

اشکال محقق نائینی بر مرحوم آخوند

آنگاه بعد از اینکه این نسبت را به مرحوم آخوند می‌دهد، به ایشان اشکال می‌کند که ما عنوانی داریم بنام عنوان التزام به تفکیک در تنجیز، التزام به توسط در تنجیز. مرحوم نائینی می‌فرمایند این قاعده را قبول داریم که تفکیک در مرحله تنجیز امکان دارد.

توضیح این مطلب را بیان کنیم، چون مطلب جدیدی برای شما است که در نه در کفایه و نه در اصول وجود ندارد، از ابتدای بحث خارج اصول تا اینجا شاید این اولین دفعه‌ای باشد که به این عنوان بر می‌خورید.

ما در باب حکم، سه مرحله‌ی ثبوت، تنجیز و سقوط حکم داریم. گفته‌اند ثبوت و سقوط حکم، تفکیک شدنی نیست. حکم یا ساقط می‌شود یا ساقط نمی‌شود. اما مرحله تنجیز حکم قابل تفکیک است. این کلام را مقداری روشن کنیم چون در کلمات مرحوم نائینی تبیین نشده است.

1. گاهی اوقات حکمی داریم که منجز نیست. مثل جایی که شک ما در یک حکم بدوی و ابتدایی است. در این صورت آن حکم منجز نیست.

2. گاهی اوقات حکم منجز است و تفکیکی هم در آن نیست، مثل جایی که علم اجمالی داریم و در علم اجمالی ما انحلالی بوجود نمی‌آید. در چنین موردی که در علم اجمالی انحلال بوجود نمی‌آید، می‌گوییم این علم اجمالی، منجز است و تکلیف برای ما مسلم می‌شود.

3. حکمی نسبت به یک تقدیر و فرض، عنوان منجز دارد، اما علی تقدیر آخر و نسبت به فرض دیگر، عنوان منجز ندارد. حال باید قسم سوّم را روشن کنیم.

این بحث را در اقل و اکثر ارتباطی مطرح می‌کنند و می‌گویند مرکبی که دارای اجزاء است، ترک مرکب به ترک هر یک از اجزاء امکان دارد. چون در باب مرکب می‌گوییم اگر یکی از اجزاء مرکب منتفی شود، مرکب هم منتفی می‌شود.

اگر مرکبی دارای ده جزء است، هر جزء را که ترک کردید، سبب ترک مرکب می‌شود. آنگاه گفته‌اند ممکن است در موردی بگوییم ترک مرکب به سبب ترک بعضی از اجزاء، موجب مؤاخذه است، و ترک مرکب به سبب بعضی از اجزاء دیگر، موجب مؤاخذه نیست. مؤاخذه همان مرحله تنجیز حکم است.

حکم، زمانی که به مرحله تنجیز رسید، آن مرحله‌ای است که بر موافقت آن ثواب و بر مخالفت آن عقاب وجود دارد. در باب اقل و اکثر چنین چیزی گفته‌اند.

در اقل و اکثر ارتباطی نمی‌دانیم نماز ده جزء است یا یازده جزء، نمی‌دانیم نماز ده جزئی بر ما واجب است یا یک جزء یازدهمی به نام سوره هم بر ما واجب است، در اینجا گفته‌اند اگر سوره جزء نماز باشد، همانطور که با ترک بقیه اجزاء، نماز یا مرکب ترک می‌شود، با ترک سوره هم مرکب ترک می‌شود.

اما کسانی که برائت عقلی جاری می‌کنند و گفته‌اند وقتی نمی‌دانیم نماز ده جزء است یا یازده جزء، نسبت به جزء یازدهم برائت عقلیه جاری می‌کنیم، ملتزم به تفکیک در تنجیز می‌شوند، می‌گویند یک وجوب صلاة داریم که این وجوب صلاة نسبت به این ده جزء منجز است، یعنی هر کدام از این ده جزء را ترک کنید و نماز بخاطر آن ترک شود، استحقاق عقاب دارید. اما وجوب نماز بخاطر ترک سوره، اگر هم واقعا سوره جزء نماز باشد منجز نیست. به این می‌گویند تفکیک در باب تنجیز.

حال که این موضوع روشن شد، در باب اقل و اکثر ارتباطی، تفکیک در باب تنجیز را در باب اجزاء مرکب مطرح می‌کنند.

مرحوم نائینی در اینجا توسعه و تعمیم داده‌اند و گفته‌اند قاعده التزام به تفکیک در تنجیز همانطور که در باب اجزاء جریان دارد، در باب شرایط هم جریان دارد. اگر نماز واجب باشد، وضو شرط برای نماز است. در اینجا وجوب را نسبت به این شرط، ثابت می‌دانیم و می‌گوییم وجوب کلی که این شخص نذر کرده، یا وجوب وضو یا وجوب نماز، وجوب نسبت به این وضو ثابت است اما نسبت به نماز برائت جاری می‌کنیم.

از این طرف اگر برائت را نسبت به صلاة جاری کردیم، دیگر لازم نیست برائت نسبت به وضو هم جاری کنیم. بین آنها تفکیک قائل می‌شویم. اصالة البرائة نسبت به صلاة جاری می‌شود، اما نسبت به وضو جاری نمی‌شود.

تعبیری که مرحوم نائینی و دیگران دارند این است که «فان ترک ما یحتمل وجوبه النفسی» یعنی ترک صلاة، ترک آنچه وجوب نفسی آن احتمال داده می‌شود «المستند الی ترک معلوم الوجوب مما یوجب العقاب» مستند به ترک وضویی است که معلوم الوجوب است، موجب عقاب است.

مانند مثالی که در سوره و اجزاء زدیم که اگر ترک نماز مستند به اجزاء ده‌گانه باشد، استحقاق عقاب دارد، اما اگر مستند به سوره باشد استحقاق عقاب ندارد. در اینجا هم اینچنین است، ترک نماز اگر مستند به ترک وضو باشد، مما یوجب العقاب است، که وضو عنوان شرط برای نماز دارد «و اما ترکه من غیر ناحیه»، ترک نماز از غیر ناحیه وضو، یعنی فرض کنیم تمام اجزاء آن آمده، اگر نماز را از غیر ناحیه وضو ترک کنیم، یعنی بقیه اجزاء، «فالمكلف لجهله فی سعة منه».

پس مرحوم نائینی قاعده التزام به تفکیک در تنجیز را که در باب اقل و اکثر در مورد اجزاء جاری کردند، همان قاعده را در اینجا تعمیم می‌دهند و نسبت به شرایط هم می‌آورند و می‌گویند شما وضو یا نماز را نذر کردید، وقتی وضو برای ما علم تفصیلی دارد،

ترک نماز اگر مستند به ترک وضو باشد، مما یوجب العقاب، اما اگر در این فرض، مستند به اجزاء خودش باشد یعنی از اوّل تا آخر نماز، مما لا یوجب العقاب، آنوقت به مرحوم آخوند اشکال کرده‌اند که شما چرا اصالة البرائة را در وضو جاری می‌کنید؟

یعنی مرحوم نائینی از کلام آخوند برداشت کرده‌اند که در جایی که علم اجمالی داریم که یا وضو و یا صلاة واجب است، مرحوم آخوند هم نسبت به صلاة و هم نسبت به وضو برائت جاری کرده‌اند.

پاسخ استاد به اشکال محقق نائینی بر مرحوم آخوند

اما اصلا عبارت آخوند در فرضی که می‌فرمایند برائت جاری است، در جایی است که ذی المقدمه فعلی نباشد، یعنی همان صورت اولی که دیروز بیان کردیم، در جایی که ذی المقدمه فعلیت ندارد مرحوم آخوند می‌فرمایند باید برائت جاری شود، اما در اینجا که ذی المقدمه فعلی است، منتها فعلی علی تقدیر است، یعنی اگر وضو عنوان غیری داشته باشد نماز بعنوان واجب غیری مطرح است، و در اینجا مرحوم آخوند مسأله برائت را مطرح نکرده‌اند.

این بیان مرحوم محقق نائینی که باز در اینجا نکاتی را در فوائد الاصول دارند که در أجود التقريرات نیامده است، در فوائد الاصول وقتی می‌خواهند تعمیم را بیان کنند می‌گویند در باب اقل و اکثر ارتباطی قاعده التزام به تفکیک در تنجیز را در مقدمات داخلیه مطرح کردیم، که مقدمات داخلیه همان اجزاء هستند، اما در اینجا قاعده تفکیک در تنجیز را در مقدمه‌ی خارجیه که عبارت از وضو است مطرح می‌کنیم، و می‌فرمایند بین المقامین از این جهت فرقی وجود ندارد.

فقط فرق این است که در جایی که مقدمه داخلیه است، علم به معظم الاجزاء داریم، یعنی علم داریم ده جزء از نماز واجب است و یک جزء مشکوک است، اما در اینجا عکس قضیه است، آنچه برای ما معلوم است علم به شرط است که شرط نسبت به مشروط، دایره‌اش بسیار ضعیف است و فقط نسبت به وضو علم تفصیلی داریم. اما از اوّل تا آخر نماز تمام اجزاء برای ما مشکوک هستند بنحو شک بدوی.

مرحوم آقای خویی در محاضرات همین نظریه مرحوم نائینی را پذیرفته‌اند که علم اجمالی، به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی انحلال پیدا می‌کند. بیان ایشان را در محاضرات جلد 2، صفحه 389 ببینید تا توضیح آن را إن شاء الله عرض کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين